

Research Paper

The Perspective of US Possible Strategy in the Middle East and its Policy Requirements



*Abuzar Goharimoghaddam¹ , Mohammad Amin Hazrati Razlighi²

1. Department of International Relations, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

2. Phd Student of International Relations, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.



Citation Goharimoghaddam A, Hazrati Razlighi M A. (2022). [The Perspective of US Possible Strategy in the Middle East and its Policy Requirements (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*; 12(Special Issue), 128-153. <https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699884>

<https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699884>



Received: 06 Jul 2022

Accepted: 11 Sep 2022

Available Online: 22 Nov 2022

Keywords:

US Foreign Policy, West Asia, Regional Security Order, Off-Shore Balancing Strategy

ABSTRACT

After the end of World War II and especially following 9/11 attacks, US played an active role in the middle east in order to advance liberal internationalism strategy. However, US has not been able to continue playing active role by maximum presence of military forces in the region due to various challenges. Therefore, there has always been talk about the evolution of US regional role-playing. Obama's "pivot to Asia" policy can be considered as the turning point of this transformation which implicated increasing focus on confronting China threat and, subsequently, the reduction of physical-military presence in the Middle East. The main question of the research is what influences do domestic and international variables have on the grand strategy of US foreign policy in the Middle East. The authors have sought to answer the question by adopting descriptive-analytical approach and utilizing library methods, Content analysis method and semi-structured interviews. The findings of the research indicate that the reduction US hard presence in the region, Supporting traditional allies, increasing tendency of US regional allies to act more independently, and the increasing influence of US global competitors in the region would be the most possible perspective of US role in the Middle East.

* Corresponding Author:

Abuzar Goharimoghaddam, PhD.

Address: Department of International Relations, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

E-mail: goharirisu.ac.ir

مقاله پژوهشی

چشم‌انداز راهبرد احتمالی ایالات متحده در غرب آسیا و الزامات سیاستی آن

* ابوذر گوهری مقدم^۱، محمد امین حضرتی رازلیقی^۲

۱. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

چکیده

ایالات متحده پس از پایان جنگ جهانی دوم و به‌ویژه به‌دنبال حملات ۱۱ سپتامبر با هدف پیشبرد راهبرد بین‌المللی گریبی لیبرال، در منطقه غرب آسیا حضور فعالانه یافت. با این حال، ایالات متحده به‌علت مواجهه با چالش‌های گوناگون قادر به تداوم راهبرد کنشگری فعالانه با حضور حداکثری نیروهای نظامی در منطقه خاورمیانه نبوده و همواره از تحول در کیفیت کنش‌گری منطقه‌ای ایالات متحده سخن به‌میان آمده‌است. نقطه عطف این دگرگونی را باید سیاست اوباما در باب «چرخش به آسیا» دانست که تمرکز فزاینده بر مقابله با تهدید چین و متعاقب آن، کاهش حضور فیزیکی نظامی در خاورمیانه مهم‌ترین دلالت‌های آن هستند. پرسش اصلی پژوهش جاری این است که متغیرهای داخلی و بین‌المللی چه تأثیری بر راهبرد کلان سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا دارند. نگارندگان با اتخاذ رویکرد توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از روش‌های کتابخانه‌ای، تحلیل محتوای اسناد و مصاحبه نیمه‌ساختارمند در صدد پاسخگویی به پرسش مذکور بوده‌اند. یافته‌های پژوهش جاری حکایت از آن دارد که کاهش حضور سخت ایالات متحده، پشتیبانی از هم‌پیمانان سنتی، گرایش فزاینده متحدان منطقه‌ای ایالات متحده به کنش‌گری مستقل و روند افزایشی نفوذ رقبای بین‌المللی ایالات متحده در غرب آسیا، محتمل‌ترین چشم‌انداز متصور درباره کیفیت کنش‌گری ایالات متحده در منطقه خاورمیانه خواهد بود.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۴۰۱
 تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱
 تاریخ انتشار: ۰۱ آذر ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

سیاست خارجی
 ایالات متحده، غرب
 آسیا، نظم امنیتی
 منطقه‌ای، راهبرد
 موازنه از راه دور

* نویسنده مسئول:

دکتر ابوذر گوهری مقدم

نشانی: تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، گروه روابط بین‌الملل.

رایانامه: goharirisu.ac.ir

مقدمه

۱. پیشینه پژوهش

به منظور اثبات نوآوری پژوهش، باید نگاهی گذرا به پیشینه تحقیق در این حوزه موضوعی داشت. تاکنون تحقیقات زیادی درباره بررسی ماهیت سیاست‌گذاری و کنش‌گری ایالات متحده در غرب آسیا و تغییرات آن انجام شده‌است که به عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر سیاست‌گذاری ایالات متحده در منطقه پرداخته‌اند. اهم این تحقیقات در جدول شماره ۱ به نمایش درآمده‌اند.

این نوشتار به‌رغم تبیین راهبرد احتمالی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا، ولی به‌علت بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون اسناد امنیت ملی و مصاحبه نیمه‌ساختارمند، خود را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند.

این مقاله در ۲ بخش عمده سازماندهی شده‌است: در بخش اول، راهبرد موازنه از راه دور به‌عنوان دکترین حاکم بر سیاست خارجی کلان ایالات متحده در منطقه خاورمیانه برگزیده است و پس از بحث از الزامات سیاست‌گذاری آن، در بخش دوم، ۳ گزینه احتمالی خروج کامل، حضور فعالانه یا کاهش حضور ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

۲.۱. راهبرد موازنه از راه دور

این راهبرد برآمده از مبانی رویکرد رئالیسم نئوکلاسیک به سیاست خارجی بوده و براساس آن، یک قدرت بین‌المللی برای جلوگیری از قدرت‌یابی دشمن بالقوه یا بالفعل خویش در یک منطقه جغرافیایی خاص، از متحدان منطقه‌ای برای مقابله

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۹۰ تا لشکرکشی ناموفق ایالات متحده به عراق و افغانستان، جهان شاهد نظم تک‌قطبی مبتنی بر هژمونی ایالات متحده بود که هیچ کشوری از سال ۱۵۰۰ بدان نرسیده بود و ایالات متحده با پشتوانه «قدرت برتر و بلامنازع نظامی» و مبتنی بر راهبرد هژمونی‌طلبی لیبرال به مقابله با قدرت‌های بزرگ، گروه‌های تروریستی و دیگر تهدیدات دولتی و غیردولتی شد. از جانب دیگر، واشنگتن با اتکا به برتری اقتصادی و نظامی، تعهدات نظامی‌امنیتی خود را به کشورهای منطقه افزایش داد و با حضور مستقیم و همه‌جانبه، ترتیبات امنیت منطقه‌ای را تحت کنترل درآورد (لاین، ۲۰۰۲: ۲۳۴).

با وجود این، راهبرد موازنه از راه دور به مثابه گفتمان مقابل هژمونی لیبرال به پا خاست و ضمن مخالفت با تلاش‌های ایالات متحده برای تحول در نظم مناطق گوناگون جغرافیایی، تنها بر حفظ هژمونی ایالات متحده در نیمکره غربی و مقابله با ظهور قدرت‌های هژمون در ۳ منطقه اروپا، شرق آسیا و خلیج فارس تمرکز می‌کرد و خواستار کاهش حضور سخت ایالات متحده در مناطق جغرافیایی گوناگون، از جمله غرب آسیا بود.

سؤال اصلی پژوهش جاری این است که با توجه به متغیرهای میانجی سطح داخل و نظام بین‌الملل، محتمل‌ترین گزینه درباره راهبرد کلان ایالات متحده در غرب آسیا کدام خواهد بود. نگارندگان در راستای پاسخگویی به پرسش مذکور، رویکرد توصیفی‌تحلیلی را اتخاذ و از روش کتابخانه‌ای، تحلیل محتوای اسناد و مصاحبه نیمه‌ساختارمند برای گردآوری و تحلیل داده‌ها بهره گرفته‌اند.

جدول ۱. آثار مرتبط با راهبرد ایالات متحده در غرب آسیا

ردیف	نام منبع	سال نشر	ناشر	نویسنده	شرح مختصر
۱	آینده‌پژوهی حضور ایالات متحده در غرب آسیا	۱۳۹۶	فصلنامه آفاق امنیت	مجید فرخی چشمه‌سلطانی سعید عطار	تشریح و تبیین سناریوهای ۳ گانه کاهش حضور، تداوم حضور و خروج کامل ایالات متحده از غرب آسیا ترسیم کیفیت آرایش نیروهای نظامی ایالات متحده در منطقه، مواضع و پایگاه‌های آن‌ها
۲	ارزیابی سیاست نظامی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا	۱۳۹۸	انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی	ماینک زنکو	تبیین راهبردهای ایالات متحده در خاورمیانه از پایان جنگ دوم جهانی تا قرن ۲۱
۳	Shifting Sands: The United States in the Middle East	۲۰۱۴	Columbia University Press	Joel Migdal	تشریح سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه از سال ۱۹۰۰ تاکنون و پرداختن به آن از نظر چالش‌های تاریخی، ثبات منطقه‌ای و غیره
۴	US Foreign Policy in the Middle East From American Missionaries to the Islamic State	۲۰۱۸	Routledge	Geoffrey F. Gresh Tugrul Keskin	تبیین نسبت راهبرد موازنه از راه دور در سیاست خارجی ایالات متحده با نظم امنیتی خاورمیانه
۵	Unpredictability in US foreign policy and the regional order in the Middle East: reacting vis-à-vis a volatile external security-provider	۲۰۱۹	British Journal of Middle Eastern Studies	Jordi Quero Andrea Dessi	

(منبع: طراحی شده توسط نگارنده)

راه دور تحت تأثیر مخالفت با راهبرد هژمونی لیبرال بود که با شکست این گفتمان، راهبرد موازنه از راه دور به‌عنوان گفتمان رقیب توسط دولت اوباما مطرح و مورد حمایت تحلیل‌گران واقع‌گرای نئوکلاسیک نظیر مرشایمر قرار گرفت تا منافع ایالات متحده در خاورمیانه را با کمترین هزینه و تعهد تأمین کند (مرشایمر، ۲۰۱۲). برخی از مهم‌ترین مفروضات و گزاره‌های راهبرد موازنه از راه دور به شرح ذیل است:

با آن کشور بهره می‌گیرد و با عقب‌نشینی از مواضع ساحلی و تقویت توانمندی‌های فراساحلی باید موازنه قوا را در ۳ منطقه مهم و ژئوپلیتیک اروپا، خلیج فارس و شمال شرق آسیا حفظ کند (لاین، ۱۹۹۷: ۹۴).

با دقت در سیر نظریه‌پردازی سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی می‌توان دریافت نوعی غیریت‌سازی در تکوین نظریات جدید نقش داشته‌است. از نگاه عمده تحلیل‌گران، برجسته شدن راهبرد موازنه از

۱.۱.۲. چندجانبه‌گرایی راهبردی

برخلاف راهبرد هژمونی لیبرال که چندقطبی بودن نظام بین‌الملل را منتج به بی‌ثباتی می‌داند، راهبرد موازنه از راه دور تلاش برای حفظ هژمونی ایالات متحده با تأکید بر کنش‌های یک‌جانبه را ذاتاً ناکام و شکست‌خورده می‌داند که نه تنها به تثبیت برتری این کشور موجب نمی‌شود، بلکه سایر کشورها را به همکاری جهت مقابله با دولت هژمون وامی‌دارد و کاهش قدرت نسبی آن کشور را در پی خواهد داشت. در تحلیل هزینه‌فایده، از آنجا که ایالات متحده در جهان چندقطبی کنونی توان جلوگیری از ظهور قدرت‌های نوظهور بزرگ درون حوزه نفوذ خود یا خارج از آن را ندارد (لاین، ۱۹۹۷: ۱۱۴)، چندجانبه‌گرایی بیشتر می‌تواند منافع هژمون را در مناطق جغرافیایی تأمین کند (لاین، ۲۰۰۲: ۲۴۵-۲۳۴) و در نتیجه، چارچوب کلان مناسب برای سیاست خارجی ایالات متحده در ساختار چندقطبی حاکم بر نظام بین‌الملل است که حاکمیت ساختار چندقطبی را نه یک تهدید، بلکه فرصت می‌داند.

۲.۱.۲. دامنه محدود تعریف منافع ملی

برخلاف راهبرد هژمونی لیبرال که حفاظت از ارزش‌های لیبرال در سراسر جهان را منافع ایالات متحده معرفی می‌کرد، موازنه از راه دور تنها «تمامیت سرزمینی» ایالات متحده و جلوگیری از ظهور هژمون تجدیدنظرطلب در اروپا، شرق آسیا و خلیج فارس را محدوده منافع ایالات متحده برمی‌شمارد (لاین، ۱۹۹۷: ۱۱۲)؛ بنابراین راهبرد موازنه از راه دور میان «منافع حیاتی» و «منافع حاشیه‌ای» ایالات متحده در مناطق جغرافیایی تمایز قائل می‌شود و مداخله مستقیم را مشروط به تهدید منافع حیاتی خود توسط دولت تجدیدنظرطلب منطقه‌ای می‌داند و تا زمانی

که منافع حیاتی ایالات متحده به خطر نیفتد، حضور فراساحلی خود را به حضور و مداخله ساحلی تبدیل نخواهد کرد (میلر و سوکولسکی، ۲۰۲۰).

۳.۱.۲. کاهش نیروهای زمینی و تغییر نقش آن‌ها

دولت هژمون با کاهش محسوس نیروهای زمینی خویش در منطقه، بازدارندگی هسته‌ای و تقویت نیروی هوایی و دریایی خود در منطقه را دنبال خواهد کرد. در چارچوب موازنه از راه دور، دولت هژمون ضمن حفظ پایگاه‌های کوچک نظامی و تعداد محدودی از نیروها، تسلیحات سبک، تجهیزات گردآوری اطلاعات و زیرساخت‌های هوایی و دریایی را در مناطق استراتژیک مستقر می‌کند و با رصد دقیق تحولات ژئوپلیتیک در مناطق گوناگون جغرافیایی و در شرایطی که توازن قوای منطقه‌ای توسط یک دولت تجدیدنظرطلب در معرض تهدید قرار گیرد، از این ظرفیت بهره می‌گیرد (مرشایمر و والت، ۲۰۱۶: ۷۴). دولت هژمون همچنین با بهبود کیفیت نیروهای زمینی محدود خویش در منطقه، نقش آن‌ها را از مأموریت عملیاتی به مأموریت مستشاری و آموزش‌دهی تغییر می‌دهد. تقویت توان موشک‌های دوربرد، افزایش مزیت‌های نظامی تکنولوژیک و ارتقای سطح انعطاف‌پذیری راهبردی، از جمله سیاست‌ها و اقدامات هژمون در شرایط کاهش نیروهای زمینی در منطقه براساس راهبرد موازنه از راه دور محسوب می‌شوند (لاین، ۱۹۹۷: ۱۱۳).

۴.۱.۲. موازنه‌سازی منطقه‌ای

موازنه از راه دور راهبرد مبتنی بر «حاله مسئولیت»، «تقسیم هزینه‌های جنگ با متحدان منطقه‌ای» و «تقدم موازنه‌سازی درونی^۱ بر

1. Internal Balancing

۶.۱.۲. تثبیت هژمونی با حداقل هزینه

راهبرد موازنه از راه دور، نه تنها متضمن کنار کشیدن هژمون از آریکه قدرت جهانی نیست، بلکه ضمن خودداری از ورود به جنگ‌های پرهزینه و بی‌ثمر، منابع موجود را در راستای تحقق منافع ملی صرف و به تقویت هژمونی ابرقدرت کمک می‌کند. به عبارت دیگر، دولت هژمون با تفکیک «جنگ‌های ضروری» از «جنگ‌های اختیاری» تنها به جنگ‌های تحمیلی ورود پیدا می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۲).

۷.۱.۲. عدم تعهد هژمون به گسترش دموکراسی و حقوق بشر

استراتژی هژمونی لیبرال با اتکا به نظریه «صلح دموکراتیک»^۲، امنیت ایالات متحده را مستلزم گسترش دموکراسی و توسعه ارزش‌های لیبرال نظیر حقوق بشر می‌داند. باین حال، راهبرد موازنه از راه دور، جهان مرکب از کشورهای لیبرال دموکرات را یک جهان کاملاً صلح‌آمیز نمی‌بیند، بلکه دموکراسی‌ها نوپا را بیشتر از سایر کشورها مستعد ورود به منازعه می‌داند. بر این مبنا، گزینه پیشنهادی این راهبرد نه تحمیل دموکراسی به سایر ملل، بلکه پایان دادن به جنگ‌های پرهزینه با اهداف ایده‌آلیستی و تبدیل ایالات متحده به جامعه الگو برای سایر کشورهاست (مرشایمر و والت، ۲۰۱۶: ۷۹).

۸.۱.۲. تقدم ابزارهای غیرنظامی بر جنگ

راهبرد موازنه از راه دور، عجله در توسل به راهکار نظامی را رد می‌کند و آن را تنها زمانی مجاز می‌شمارد که منافع و خاک ایالات متحده به صورت مستقیم تهدید شود. این راهبرد به ۲ علت

موازنه‌سازی بیرونی^۳ است. در این چارچوب، دولت هژمون داوطلبانه و کاملاً ارادی از مدیریت مناسبات امنیتی در مناطق کلیدی نظیر خاورمیانه کنار می‌رود، وظیفه حفظ موازنه قوای منطقه‌ای را به دیگران می‌سپارد، هزینه‌های اعمال قدرت و حفظ امنیت را میان شرکای منطقه‌ای خود توزیع می‌کند و با ایجاد ثبات، مانع از بسط هژمونی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر آن ناحیه جغرافیایی می‌شود (میگدال، ۲۰۱۴: xi). دولت هژمون به رغم حضور مقطعی در ائتلاف‌های منطقه‌ای از مشارکت دائمی در اتحادهای منطقه‌ای خودداری می‌کند.

۵.۱.۲. مداخله به مثابه منجی نه اشغالگر

در این راهبرد، دولت هژمون در شرایط تهدید توازن قوا، به نفع متحدان منطقه‌ای خویش مداخله خواهد کرد و بلافاصله پس از حصول اطمینان از ثبات منطقه‌ای، کنشگری خود در آن ناحیه جغرافیایی را دوباره به حداقل می‌رساند؛ بنابراین کنش‌های هژمون در اذهان ملل منطقه نه به مثابه اشغالگر خارجی، بلکه مدافع و منجی دولت‌های منطقه در برابر کشور تجدیدنظرطلب مفصل‌بندی می‌شود (مرشایمر و والت، ۲۰۱۶: ۷۵) و تصویر مثبت، صلح‌طلب و پشتیبان فضایل و ارزش‌های انسانی از آن کشور نزد افکار عمومی منطقه مخابره خواهد شد. در این راهبرد، هژمون به عنوان آخرین گزینه و در قامت «پایان‌دهنده جنگ» و نه «آغازگر» آن و با هدف اعاده نظم امنیتی منطقه‌ای، اقدام به مداخله محدود نظامی خواهد کرد (فرخی چشمه‌سلطانی و عطار، ۱۳۹۶ ب: ۷۲).

3. Democratic Peace

2. External Balancing

این امر مترادف با «فراساحلی» بودن است. در مورد رکن دیگر این اصطلاح، یعنی «موازنه» هم لازم به ذکر است که موازنه‌سازی نه از طریق قدرت خارجی، بلکه توسط قدرتهای منطقه‌ای انجام می‌شود و ایالات متحده در کنار حفظ کنش‌گری دیپلماتیک و حفظ تجهیزات لجستیکی و نیروهای بسیار محدود نظامی، تنها زمانی وارد عمل خواهد شد که توازن قوای منطقه‌ای توسط یکی از کشورها به چالش کشیده شود (مرشایمر، ۲۰۱۲).

۳. یافته‌های پژوهش

۱.۳. گزینه‌های مطرح برای سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه

ایالات متحده از دهه ۹۰ میلادی به کنش‌گری فعالانه در منطقه اقدام کرد و با لشکرکشی به عراق و افغانستان متعاقب حملات ۱۱ سپتامبر، تصمیم به مداخله سخت در منطقه گرفت. با این حال، برخی چالش‌های داخلی و تحولات بین‌المللی، واشنگتن را به تجدیدنظر در راهبردهای گذشته نسبت به منطقه خاورمیانه واداشت.

ایالات متحده در راستای دستیابی به منافع حیاتی خود در منطقه نظیر تأمین امنیت جریان انتقال نفت ناگزیر است استراتژی نوین منطقه‌ای خود را با رصد ملاحظات محیط داخلی و بین‌المللی تدوین و اجرایی کند. در ادامه، مهم‌ترین گزینه‌های متصور درباره چشم‌انداز کنش‌گری ایالات متحده در منطقه غرب آسیا بیان می‌شود.

۱.۱.۳. حضور فعالانه

در این سناریو، ایالات متحده به‌عنوان هژمون نظامی اقتصادی جهان و بزرگ‌ترین کنش‌گر فراملی در

از کاربست وسیع ابزار نظامی پرهیز می‌کند: نخست ماهیت پیچیده تهدیدات نوین جهانی و عدم امکان حل مؤثر آن‌ها از طریق پاسخ سخت و دوم ابهام در نتیجه‌بخشی و کارآمدی اقدام نظامی با توجه به پیامدهای آن و محدودیت‌های قدرت ایالات متحده (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۷).

۹.۱.۲. پرهیز از مداخله مستقیم در ترتیبات امنیت منطقه‌ای

اگر قدرت فرمانطقه‌ای در چارچوب موازنه از راه دور، به جای تشکیل ائتلاف‌های نظامی علیه دشمنان و رقبای خود در آن منطقه جغرافیایی یا پیشبرد استراتژی‌های مداخله‌جویانه نظیر ملت‌سازی یا تغییر چهره منطقه، ترتیب مناسبات ژئوپلیتیک در منطقه را به دولت‌های محلی واگذار کرده و از مرکز میدان خارج می‌شود، ولی در عوض می‌کوشد دولت‌های محلی را به تأسیس نهاد هم‌گرایی منطقه‌ای وادار و خود به‌عنوان ناظر بیرونی بر جریان امور آن نظارت کند.

۱۰.۱.۲. ظرفیت‌سازی‌های نوین منطقه‌ای

دولت هژمون در چارچوب رویکرد چندجانبه‌گرایی، بر نقش‌پذیری سایر دولت‌ها تأکید، به نقش دیگر قدرتها در مناطق استراتژیک توجه و بر نهادینه شدن تدریجی همکاری‌های منطقه‌ای میان کشورهای ساکن در آن ناحیه جغرافیایی در چارچوب یک نهاد هم‌گرایی تأکید دارد (بابکان، ۱۳۹۷: ۴۴).

بنابراین در چارچوب راهبرد موازنه از راه دور، دولت موازنه‌گر (به‌عنوان نمونه ایالات متحده) نیروهای زمینی و هوایی خود را خارج از منطقه موردنظر (به‌عنوان نمونه خاورمیانه) نگه می‌دارد و حضور مستقیم و متمرکز در منطقه پیدا نمی‌کند که

تولید ناخالص داخلی را ارتقا می‌بخشد. رشد اقتصاد ایالات متحده در طول جنگ عراق و افغانستان شاهد مثال این گروه است (ایپ، ۲۰۱۱: ۶-۱).

منتقدان حضور فعالانه ایالات متحده در خاورمیانه در نقد آرای مذکور از استدلال‌های ذیل بهره‌می‌گیرند: نخست آنکه، حضور ایالات متحده در خاورمیانه به مثابه رقابت با شوروی در دوران جنگ سرد تفسیر می‌شد و پس از فروپاشی شوروی و عقب‌نشینی روسیه از منطقه، توجیه منطقی برای تداوم حضور ایالات متحده در منطقه وجود ندارد. دوم آنکه، ایالات متحده وابستگی قبلی به انرژی خاورمیانه را ندارد و سوم آنکه، رژیم صهیونیستی ضمن برتری نسبت در مقابل همسایگان عرب، اتکای امنیتی کمتری به ایالات متحده دارد و تهدیدات وجودی علیه این رژیم کاهش یافته است (ایوب، ۲۰۱۶).

علاوه بر آن، منتقدان این رویکرد معتقدند بحران‌های انباشته و چالش‌های متکثر خاورمیانه، هیچ دولتی را در ایالات متحده تشویق نمی‌کند تا حضور خود در منطقه را گسترش دهد و بودجه فدرال ایالات متحده را صرف غلبه بر چالش‌های مذکور کند (پانیکوف، ۲۰۲۲).

۲.۱.۳. خروج کامل

در این سناریو که واکنشی در برابر لشکرکشی‌های ناموفق ۲ دهه اخیر به خاورمیانه بود، ایالات متحده همه نظامیان خود را از منطقه خارج و همه پایگاه‌های خود را تعطیل کرده و در هیچ‌یک از تحولات منطقه مداخله مستقیم نخواهد کرد. در این چارچوب، غرب آسیا مترادف با «چالش» برای سیاست خارجی ایالات متحده مفصل‌بندی شده، از حوزه سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده حذف می‌شود و حتی در صورت به‌خطر افتادن منافع و

خاورمیانه به تداوم رویه‌های گذشته اقدام خواهد کرد و در مواقع ضروری به مداخله گسترده نظامی در منطقه دست می‌زند. از نگاه آن‌ها، به‌رغم ضرورت تداوم حضور ایالات متحده در منطقه به‌علت داشتن منافع حیاتی نظیر امنیت انتقال انرژی یا تحت‌تأثیر آموزه‌های ایدئولوژیک آخرالزمانی یا آموزه‌های امپریالیستی، ایالات متحده باید در شیوه حضور سخت خویش بازنگری کرده و از هزینه‌های هنگفت گذشته بکاهد.

به اعتقاد این دسته از تحلیل‌گران، خروج ایالات متحده از کشورهای منطقه همواره با گسترش بی‌ثباتی در آن‌ها همراه بوده‌است؛ بنابراین از آنجا که بدون حضور نظامی ایالات متحده، کشورهای منطقه دست به موازنه‌سازی قدرت یکدیگر نخواهند زد و موازنه قوای منطقه‌ای دگرگون می‌شود، خروج کامل ایالات متحده از منطقه موج جدیدی از ناامنی و بی‌ثباتی را در خاورمیانه می‌آفریند. علاوه بر آن، هیچ‌یک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قادر به تضمین ثبات منطقه‌ای مانند ایالات متحده نیست.

جیمز کلپر در این باره معتقد است: ایالات متحده قادر نیست خاورمیانه را اصلاح کند، ولی به هر صورت باید در این منطقه حضور داشته باشد. تنها ایالات متحده می‌تواند امنیت خطوط کشتیرانی در خلیج فارس را تأمین کند، برنامه هسته‌ای ایران را مهار کرده و فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را پای میز مذاکره بنشاند (آش‌فورد، ۲۰۱۸: ۱۳۵).

به اعتقاد آن‌ها، جنگ و هزینه‌های نظامی، نه تنها به اقتصاد ایالات متحده آسیبی نمی‌رساند، بلکه تأثیرات مثبتی بر اقتصاد ایالات متحده دارد. افزایش هزینه‌های نظامی در دوران جنگ، نرخ اشتغال را افزایش می‌دهد، به توسعه فناوری‌های نوین و ابتکارات جدید در صنعت دفاعی کمک می‌کند و

خروج نیروهای نظامی ایالات متحده از کشورهای منطقه نباید ناگهانی باشد، بلکه باید «متعهدانه» باشد، به‌گونه‌ای که آمادگی لازم را برای دوران پساحضور ایالات متحده کسب کنند و دچار بی‌ثباتی نشوند.

منتقدان این نگاه معتقدند وجود منافع حیاتی ایالات متحده در منطقه استراتژیک خاورمیانه، مانع خروج کامل این کشور از غرب آسیا می‌شود و حتی به‌رغم شعار دولت اوباما در باب چرخش به شرق، ایالات متحده هیچ‌گاه خاورمیانه را کاملاً ترک نکرده و نخواهد کرد (براندز، ۲۰۱۹). تأمین امنیت منابع انرژی و مسیر انتقال آن برای ایالات متحده حائز اهمیت است، ایالات متحده از نفوذ فزاینده چین، روسیه و ایران در منطقه احساس تهدید می‌کند، تهدید تروریسم را همچنان معتبر می‌داند و حفظ صلح، گسترش دموکراسی و دفاع از حقوق بشر را همچنان در زمره اولویت‌های سیاست خارجی خود اعلام می‌کند (چولت، ۲۰۱۶).

از نگاه منتقدان، خروج کامل ایالات متحده از منطقه برای ایالات متحده بدون پیامد نیست، بلکه کاملاً در تضاد با مصالح عام سیاست خارجی ایالات متحده در غرب آسیا قرار دارد که ضمن پدید آوردن فضای خلأ برای کنش‌گری رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ایجاد بی‌ثباتی در سطح منطقه، تهدیدات متعدد ژئواستراتژیک را فراروی ایالات متحده قرار می‌دهد (سویینی، ۲۰۲۰).

۳.۱.۳. کاهش حضور

از نظر حامیان این رویکرد، ایالات متحده از یک‌سو به‌علت چالش‌های داخلی و بین‌المللی قادر به تداوم حضور فعالانه در منطقه نیست و از سوی دیگر، خروج کامل از منطقه، چالش‌های بزرگی را مستقیم و غیرمستقیم برای امنیت ملی ایالات متحده ایجاد

موجودیت متحدان منطقه‌ای، ایالات متحده اقدام به مداخله در منطقه نمی‌کند (فرخی چشمه‌سلطانی و عطار، ۱۳۹۶ الف: ۱۴۲).

از نگاه این گروه، نقش‌آفرینی ایالات متحده طی دهه‌های اخیر، نه‌تنها سازنده نبوده، بلکه به «عدم توازن قدرت»^۴ و دودستگی در منطقه انجامیده‌است، به‌گونه‌ای که از یک‌سو، متحدان ایالات متحده به کمک‌های نظامی این کشور وابسته بوده و از سوی دیگر، رقبای ایالات متحده از حمله این کشور و اقدام آن برای تغییر رژیم هراسان هستند (باندو، ۲۰۲۱).

از نظر حامیان این رویکرد، کشف منابع جدید انرژی، خودکفایی ایالات متحده در تولید نفت و افزایش بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر، اهمیت ژئواکونومیک خاورمیانه را به‌شدت کاهش داده‌است. در شرایط کنونی، رقبای منطقه‌ای ایالات متحده نظیر ایران برای فروش نفت و رقبای فرامنطقه‌ای نظیر چین و روسیه برای تأمین نفت موردنیاز خود، وابستگی بیشتری به امنیت دریاها نسبت به ایالات متحده دارند؛ بنابراین ادعای برخی مقامات ایالات متحده درباره ضرورت تداوم حضور در منطقه جهت حفاظت از امنیت دریاها و آبراه‌ها چندان صحیح به‌نظر نمی‌رسد (باندو، ۲۰۲۱).

از نظر طرفداران رویکرد مذکور، به اشتباه تعریف موسع از منافع ایالات متحده در منطقه خاورمیانه انجام شده‌است. تأمین این منافع مشروط به حضور همه‌جانبه نظامی در منطقه است و توجیهاتی نظیر مبارزه با تروریسم برای تداوم حضور ایالات متحده در منطقه بیان می‌شود، درحالی‌که گاهی حضور این تعداد سرباز در منطقه، ایالات متحده را از نیل به غایات مذکور بازمی‌دارد (قولز، ۲۰۲۱). با این حال،

4. Power Imbalance

کاهش حضور نیروهای زمینی در خاورمیانه را دنبال می‌کند. از این‌رو، اوپاما به جای راهبرد «جنگ علیه تروریسم» بوش پسر، راهبرد «جنگ جانشین»^۵ را در قبال تحولات منطقه در پیش گرفت و استفن والت با حمایت نظری از پیشبرد راهبرد مذکور در منطقه، «جرج کنان خاورمیانه برای اوپاما» لقب گرفت (کک، ۲۰۱۴). حامیان راهبرد موازنه از راه دور معتقدند کاهش حضور نیروهای ایالات متحده در غرب آسیا در چارچوب این راهبرد، ۳ مزیت عمده برای این کشور دارد:

۱. کاهش ریسک ورود به جنگ‌های پرهزینه: کاهش حضور سخت در چارچوب موازنه از راه دور، خطر ورود ایالات متحده به یک جنگ خونین و پرهزینه همچون جنگ عراق را کاهش می‌دهد، ولی از بین نمی‌برد (مرشایمر، ۲۰۱۲).

۲. کاهش خطر تروریسم و بهبود عملکرد ایالات متحده در مقابله با آن: راهبرد هژمونی لیبرال از ۲ ناحیه به گسترش تروریسم کمک می‌کند: نخست، گسترش دموکراسی تحمیلی در جهان حتی با بهره‌گیری از نیروی نظامی، مخالفت خرده‌هویت‌های موجود در جامعه و شکل‌گیری جنبش‌های ملی‌گرایانه و متعاقب آن منازعات پراکنده و حملات ایذایی را در پی خواهد داشت. دوم، سرنگونی نظام‌های حاکم به بهانه ترویج ارزش‌های لیبرال، خلأ قدرت در کشورهای منطقه ایجاد و بستر مساعدی جهت گسترش تروریسم پدید می‌آورد (مرشایمر و والت، ۲۰۱۶: ۷۵). راهبرد موازنه فراساحلی با تأکید بر لزوم کاهش حضور فراملی نیروهای نظامی ایالات متحده و عقب‌نشینی از ادعای ترویج ارزش‌های لیبرال، این مشکل را حل می‌کند.

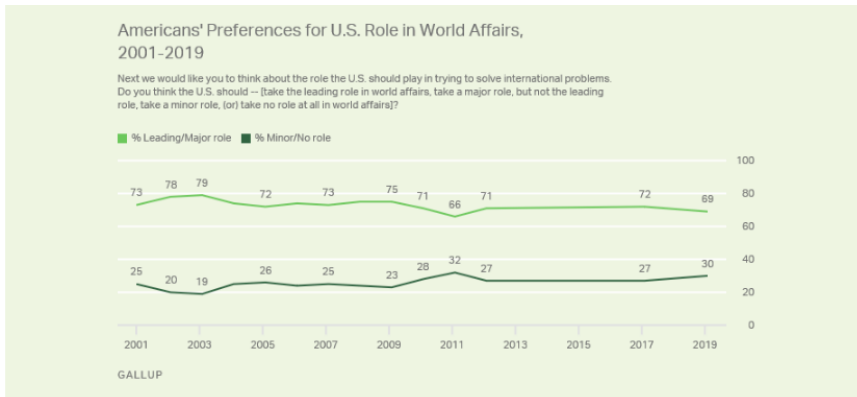
می‌کند؛ بنابراین «به حداقل رساندن خطرات و هزینه‌های حضور در منطقه از طریق مقابله با جدی‌ترین تهدیدات با کمترین هزینه» در چارچوب راهبرد کاهش حضور سخت کارآمدترین شیوه تأمین منافع ایالات متحده در غرب آسیا قلمداد می‌شود (براندز، ۲۰۱۹).

فرض بنیادین گزینه کاهش حضور که حد وسط خروج کامل و حضور همه‌جانبه و پرهزینه است، آن است که به‌رغم کاهش ارزش استراتژیک منطقه خاورمیانه برای ایالات متحده طی سالیان اخیر واشنگتن قادر نیست منطقه را تماماً نادیده بگیرد و در برنامه‌ریزی راهبردی، از آن غفلت کند؛ بنابراین ایالات متحده احتمالاً حضور نظامی و تعهدات امنیتی خویش را به کشورهای منطقه کاهش می‌دهد، ولی خاورمیانه را کاملاً ترک نمی‌کند. در این چارچوب، ایالات متحده برخی پایگاه‌های خود را در منطقه تعطیل کرده و از مداخله مستقیم در تحولات منطقه خودداری می‌کند و با حمایت نظامی و سیاسی از متحدان به موازنه فراساحلی و توازن قوای منطقه‌ای دست خواهد زد (فرخی چشمه‌سلطانی و عطار، ۱۳۹۶ الف: ۱۴۲).

در این شرایط، منابع مالی محدود و مواجهه ایالات متحده با تهدیدات نوظهور نظیر تغییرات آب و هوایی و چالش‌های داخلی سبب می‌شود واشنگتن با تمرکز بر مناطق اولویت‌دار جغرافیایی، به‌ویژه شرق آسیا، عملاً در قامت یک «قدرت اقیانوس آرام» ظهور یابد.

ایالات متحده از دوره اوپاما و براساس راهبرد «چرخش به آسیا»، شاهد حضور جدی‌تر در این منطقه جغرافیایی بود و بیشتر نیروی دریایی خود را در حوزه آسیا پاسیفیک و اقیانوس هند مستقر کرد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۸) و به موازات آن، مقوله هوشمندسازی کنش‌گری خود در غرب آسیا و

5. War by Surrogate



تصویر ۱. رشد گرایش انزواگرایانه افکار عمومی ایالات متحده در حوزه سیاست خارجی در ۲ دهه اخیر (منبع: Tarrance, 2019)

متغیرهای داخلی و بین‌المللی انجام می‌شود. در پژوهش جاری، نگارنده به‌منظور تبیین علل گرایش ایالات متحده به سوی کاهش حضور فیزیکی در خاورمیانه، از ۲ دسته متغیرهای میانجی سطح داخل و سطح نظام بین‌الملل بحث می‌کند:

۱.۱.۳. متغیرهای سطح داخل

از نگاه بسیاری از اندیشمندان، پایه‌ها و عناصر قدرت ایالات متحده در حال فرسایش است و سیاست خارجی کارآمد تنها در سایه بهبود وضعیت داخلی قابل حصول خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر، تعهد بیش از اندازه ایالات متحده به تحولات بین‌المللی،

۳. کاهش سطح نگرانی رقبای منطقه‌ای: مقابله با تهدیدات ایالات متحده در خاورمیانه نظیر برنامه هسته‌ای ایران تنها با ارائه پاسخ مؤثر به نگرانی‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران قابل تحقق است. از جمله اقدامات اعتمادساز در چارچوب موازنه‌سازی از راه دور، کاهش نیروهای نظامی ایالات متحده در کشورهای پیرامونی کشور ماست.

۱.۳. متغیرهای میانجی مؤثر بر کاهش حضور ایالات متحده در خاورمیانه

در چارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، تحلیل تحولات سیاست خارجی با ملاحظه توأمان

Country/Region	Polling dates	Favor	Oppose	No opinion
		%	%	%
Syria	Sep 3-4, 2013	36	51	13
Iraq	Mar 14-15, 2003	64	33	3
Afghanistan	Oct 5-6, 2001	82	14	4
Kosovo/The Balkans	Feb 19-21, 1999	43	45	12
Iraq/Persian Gulf	Jan 11-13, 1991	55	38	4

GALLUP

تصویر ۲. میزان حمایت افکار عمومی ایالات متحده از مداخلات خارجی در ۲ دهه گذشته (منبع: Dugan, 2013)

۲.۱.۱.۳. گرایش مردم ایالات متحده به انزواگرایی

ناکارآمدی راهبرد بین‌الملل‌گرایی لیبرال ایالات متحده در منطقه، به‌ویژه تجربه عملیات‌های فرسایشی و ناموفق در عراق و افغانستان و اثبات این مسئله برای شهروندان آمریکایی بر تفکر راهبردی مردم این کشور تأثیر عمیقی گذاشته‌است. براساس نظرسنجی‌ها، تمایل افکار عمومی ایالات متحده به حضور بین‌المللی این کشور کاهش یافته‌است و هیئت حاکمه قادر به اقناع جامعه جهت آغاز یک منازعه دیگر در جهان نیست (مانینگ و پرل، ۲۰۲۱). در سطح بدنه اجتماعی ۲ حزب دموکرات و جمهوری‌خواه، جریان‌های لیبرتاریانیستی راست‌گرا و ضدداخله‌گرایان چپ‌گرا خواهان کاهش تعهدات امنیتی و نظامی ایالات متحده به منطقه خاورمیانه هستند (ادل‌من، ۲۰۱۹).

به‌عبارت بهتر، جامعه ایالات متحده همچنان از کنش‌گری فعال این کشور برای دفاع از متحدان حمایت می‌کند، ولی خواهان تضمین صلح و امنیت بین‌المللی با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی به جای لشکرکشی نظامی و تمرکز فزاینده بر مشکلات داخلی ایالات متحده به جای بحران‌های بین‌المللی است. براساس نتایج افکارسنجی مؤسسه پیو، ۷۳ درصد آمریکایی‌ها بر حل بحران‌ها از مسیر دیپلماتیک تأکید دارند و تنها ۲۶ درصد استفاده از گزینه نظامی را ترجیح می‌دهند (مرکز تحقیقات پیو، ۲۰۱۹).

مطابق با نظرسنجی مؤسسه گالوپ هم ۷۰ درصد آمریکایی‌ها خواهان نقش‌آفرینی فعال ایالات متحده در نظام بین‌الملل بوده، ولی درصدد پیشبرد این امر مهم از شیوه‌های مسالمت‌آمیز هستند. یکی از دلالت‌های مهم نظرسنجی مذکور آن است که نسبت حمایت از گرایش‌های انزواگرایانه در سیاست خارجی ایالات متحده از ۲۳ درصد در دوران پس از

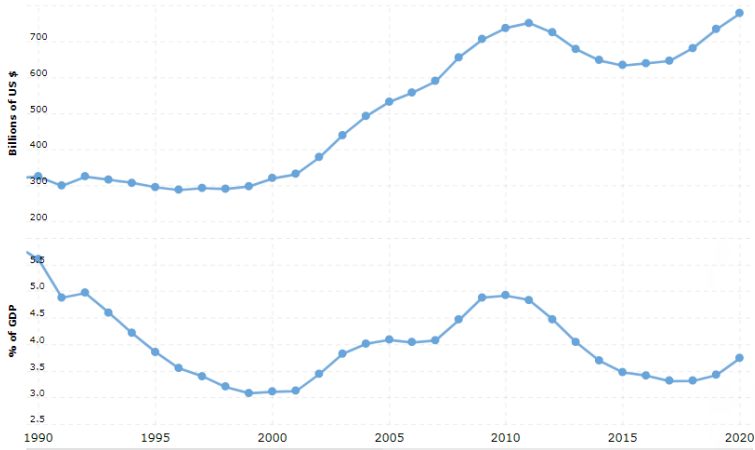
سبب غفلت از محیط داخلی و افزایش چالش‌های درونی شده‌است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۱).

۱.۱.۱.۳. بحران اقتصادی و مالی

به‌رغم اعتقاد عده محدودی نسبت به اینکه جنگ می‌تواند اعتماد عمومی به حاکمیت سیاسی را احیا کند و تقاضا برای کالا و خدمات را افزایش دهد، اغلب تحلیل‌گران مداخله خارجی را دارای آثار مخرب بر اقتصاد داخلی کشور می‌دانند. در دوران جنگ، اغلب بدهی عمومی و نرخ مالیات به‌منظور جبران هزینه‌های جنگ افزایش می‌یابد و بودجه مصارف غیرنظامی کاهش و به تأمین مالی جنگ اختصاص داده می‌شود (ایپ، ۲۰۱۱: ۱۸، ۱۳-۱).

ایالات متحده اکنون بیشترین هزینه‌های نظامی را در مقایسه با سایر ابرقدرت‌ها دارد که این کشور را از ارائه پاسخ مؤثر به چالش‌های داخلی ناتوان کرده‌است. بودجه دفاعی دولت بایدن برای سال ۲۰۲۲، ۷۲۲ میلیارد دلار است که به نسبت سال ۲۰۲۱، ۱۷ میلیارد دلار رشد کرده‌است و ۱۰ درصد از کل بودجه فدرال ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. ایالات متحده اکنون با هزینه نظامی ۷۷۸ میلیارد دلاری و در اختیار داشتن حدود یک میلیون و سیصد هزار سرباز، رتبه نخست جهان را از آن خود کرده‌است (تیموتی، ۲۰۲۲).

پیش‌بینی اقتصاددان‌های ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ حتی پس از فروکش کردن شیوع کرونا، حکایت از احتمال افزایش تورم و رکود اقتصادی در ایالات متحده دارد. مجموع ۱۴ پیش‌بینی در مورد چشم‌انداز اقتصاد ایالات متحده بیانگر آن است که رشد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۲ فراتر نخواهد رفت (لیسمن، ۲۰۲۲).



تصویر ۳. سهم بودجه دفاعی از تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۰-۲۰۲۰) (منبع: Macrotrends, 2202)

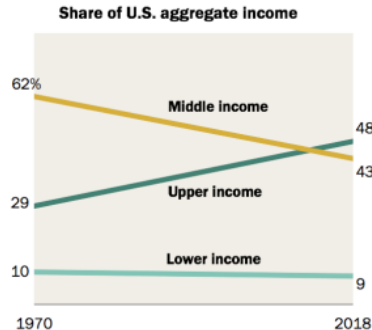
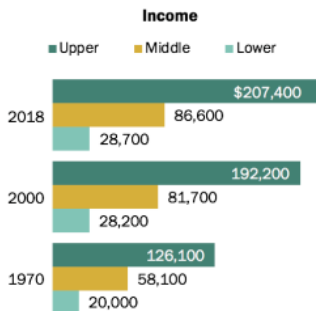
می‌کردند، در حالی که در حمله به عراق ۶۴ درصد و در حمله به افغانستان ۸۲ درصد از مردم از مداخله نظامی ایالات متحده حمایت کردند (دوگان، ۲۰۱۳).

۳.۱.۱.۳. کاهش بودجه دفاعی

بودجه دفاعی ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ حدود ۸۱۳ میلیارد دلار است که ۶۰ میلیارد دلار نسبت به سال پیش افزایش داشته‌است. این روند افزایشی عمدتاً از روند افزایش تورم در اقتصاد ایالات متحده

۱۱ سپتامبر به ۳۰ درصد در سال ۲۰۱۹ رسیده‌است (تصویر شماره ۱) (تارانس، ۲۰۱۹).

نتایج مؤسسه افکارسنجی گالوپ هم عدم گرایش جامعه ایالات متحده به مداخله مستقیم در خاورمیانه را تأیید می‌کند، به گونه‌ای که حتی پس از ادعای مقامات آمریکایی درباره استفاده دولت سوریه از سلاح شیمیایی، ۵۱ درصد از مردم مخالف اقدام نظامی ایالات متحده در سوریه بودند و تنها ۳۶ درصد از آن حمایت



تصویر ۴. میزان درآمد طبقات گوناگون جامعه ایالات متحده و سهم هر یک از آن‌ها (منبع: Kochhar and Kinleig and Horowitz, 2020)

۴.۱.۱.۳. افزایش شکاف طبقاتی

افول مستمر استانداردهای زندگی طبقه متوسط یکی از تهدیدات علیه ثبات اجتماعی در ایالات متحده است که بنیان نظم اجتماعی در این کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد و با از دست دادن پشتیبانی طبقه متوسط، یکی از ستون‌های قدرت ایالات متحده فرومی‌ریزد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۲).

در دهه‌های اخیر، با افزایش درآمد خانوارهای ثروتمند ایالات متحده و کاهش قدرت طبقه متوسط، جامعه ایالات متحده با افزایش شکاف درآمدی روبه‌رو بوده‌است. براساس نظرسنجی مؤسسه پیو، نسبت خانوارهای با درآمد متوسط که در سال ۱۹۷۱ حدود ۶۱ درصد بود، در سال ۲۰۱۹ به حدود ۵۱ درصد رسیده‌است. همچنین سهم درآمد طبقه متوسط از درآمد کل که در سال ۱۹۷۰ حدود ۶۲ درصد بود، به ۴۳ درصد کاهش و در مقابل، سهم طبقه ثروتمند از ۲۹ درصد به ۴۸ درصد افزایش پیدا کرده‌است

متأثر بوده، به‌گونه‌ای که بودجه نظامی این کشور از ۳۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۷۷۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده، ولی سهم هزینه‌های دفاعی از تولید ناخالص داخلی کاهش یافته‌است. به‌عنوان نمونه، بودجه دفاعی ایالات متحده در سال ۱۹۹۰، ۵/۶۱ درصد از تولید ناخالص ایالات متحده را دربرمی‌گرفت، درحالی‌که این آمار در سال ۲۰۲۰ به کمتر از ۳/۷۴ درصد رسیده‌است (ماکروترندز، ۲۰۲۲). تصویر شماره ۳، سهم بودجه دفاعی ایالات متحده از تولید ناخالص داخلی را از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ به خوبی تبیین کرده‌است.

براساس اظهارات تحلیل‌گران آمریکایی، این کشور به‌منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های نظامی باید از تعداد کارکنان غیرنظامی خود بکاهد، حقوق و مزایا نظامیان را محدود کند و نه تنها دست به احداث پایگاه‌های جدید نظامی نزند، بلکه از تعداد پایگاه‌های موجود بکاهد.



تصویر ۵. کیفیت توزیع و استقرار پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه (منبع: Wallin, 2018)

۴-۲۰۱. متغیرهای سطح نظام بین‌الملل

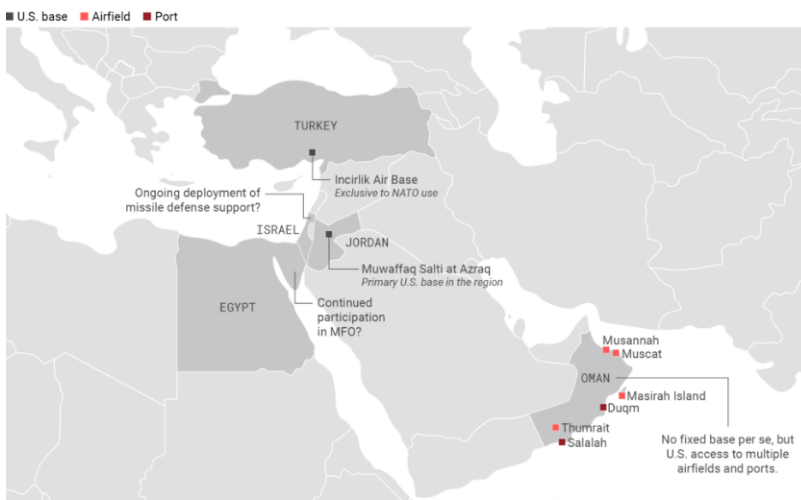
۴-۲۰۱-۱. کاهش اهمیت انرژی غرب آسیا

از بحران نفتی ۱۹۷۳ تا اوایل قرن ۲۱، دستیابی به نفت منطقه، رکن محوری سیاست خارجی ایالات متحده در قبال خاورمیانه بود، ولی «انقلاب شل»^۶ و تحولات تکنولوژیک حوزه نفت و گاز، ژئوپلیتیک انرژی را در سطح جهان دگرگون کرد و به تدریج با ارتقای بهره‌وری انرژی، استفاده از منابع تجدیدپذیر، افزایش تولید نفت شیل ایالات متحده، ایالات متحده به بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز جهان بدل شد، تا حدی که اکنون تنها ۱۳ درصد از نفت موردنیاز ایالات متحده از چاه‌های خاورمیانه تأمین می‌شود (مانینگ و پرل، ۲۰۲۱). افزایش تمرکز بر مقابله با تغییرات اقلیمی، تکثر صادرکنندگان نفت، حرکت جهان به سوی اقتصاد

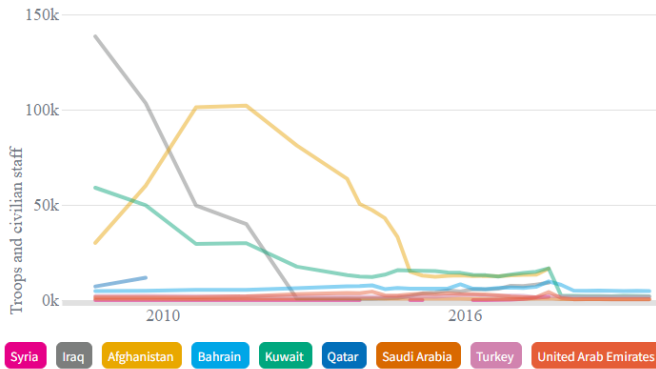
(هورویتز و همکاران، ۲۰۲۰). تصویر شماره ۴ به خوبی، وضعیت شکاف طبقاتی در ایالات متحده را تا سال ۲۰۱۸ تبیین کرده‌است.

علاوه بر آن، کاهش سهم ثروت طبقه متوسط هم بیانگر روند افزایشی شکاف طبقاتی در جامعه ایالات متحده است. در سال ۱۹۸۳، ثروت طبقه متوسط حدود ۳۲ درصد از ثروت کل را تشکیل می‌داد، در حالی که این آمار در سال ۲۰۱۶ به کمتر از ۱۷ درصد رسیده، ولی درباره طبقه ثروتمند، از ۶۰ درصد سال ۱۹۸۳ به ۷۹ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته‌است (هورویتز و همکاران، ۲۰۲۰). ایالات متحده اکنون با ضریب جینی ۰/۴۳۴ بالاترین میزان شکاف طبقاتی را در مقایسه با دیگر اعضای گروه ۷ به نام خود ثبت کرده‌است.

6. Shale Revolution



تصویر ۶. چشم‌انداز تمرکز ایالات متحده بر ۲ کشور اردن و عمان در راهبرد کاهش حضور در خاورمیانه (منبع: Sweeney, 2020)



تصویر ۷. روند کاهشی حضور نیروهای آمریکایی در منطقه (منبع: Usnews, 2020)

۴,۲,۲. تحولات ژئوپلیتیک نظام بین‌الملل

در نظام بین‌الملل معاصر، قدرت ماهیت پویا و سیال پیدااست، به‌گونه‌ای که ساختار نظام بین‌الملل از ماهیت تک‌قطبی فاصله گرفته و چین به مثابه نزدیک‌ترین و بزرگ‌ترین رقیب و تهدید برای هژمونی ایالات متحده ظهور یافته‌است. تغییرات در مراکز قدرت جهان حکایت از آن دارد که ایالات متحده همچنان هژمون منفرد و قدرت بلامنزاع در نظام بین‌الملل نیست، ولی انتظار افول قدرت ایالات متحده در آینده کوتاه‌مدت، آرمانی و غیرواقعی

غیرنفتی و گرایش فزاینده به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر هم در کاهش جایگاه راهبردی منابع انرژی خاورمیانه برای واشنگتن مؤثر بوده‌است.

باین‌حال، اهمیت نفت خاورمیانه برای ایالات متحده از تأمین نیازهای داخلی فراتر است و به‌طور غیرمستقیم بر اقتصاد ایالات متحده تأثیرگذار خواهد بود، چراکه اولاً کالاهای وارداتی از چین و اروپا با نفت خاورمیانه تولید می‌شوند، و ثانیاً منابع مالی و سرمایه‌های عربستان (به پشتوانه درآمدهای نفتی) همچنان تأثیر عمده‌ای بر بازارهای مالی جهان و ایالات متحده خواهند داشت (آهوپی، ۱۳۹۶: ۶۰).



تصویر ۸. برنامه زمان‌بندی ۴ ساله کاهش حضور نیروهای آمریکایی از منطقه خاورمیانه (منبع: Sweeney, 2020)

۲.۳. الزامات سیاستی گزینه کاهش حضور بر کنش‌گری ایالات متحده در خاورمیانه

ایالات متحده احتمالاً با کاهش حضور سخت در منطقه، از مدل «امنیت مشارکتی» با حضور همه متحدان خویش در یک صف واحد علیه هژمونی بالقوه ایران بهره خواهد برد و به ائتلاف‌سازی در برابر نفوذ رقباتی منطقه‌ای و فرماندهی در خاورمیانه، به‌ویژه روسیه، ایران و چین دست خواهد زد (بیرمن و ویلکینسون، ۲۰۲۲). مهم‌ترین کنش‌ها و اقدامات واشنگتن در پیشبرد راهبرد مذکور به شرح ذیل است:

۱.۲.۳. کاهش سطح تنش با ایران

از نگاه حامیان آمریکایی راهبرد موازنه از راه دور، اقدام نظامی ایالات متحده علیه ایران، نه تنها این کشور را به اتخاذ رویکرد تهاجمی سوق می‌دهد، بلکه تهران را به متحد راهبردی چین در منطقه تبدیل و آن را به همکاری‌های فزاینده امنیتی با پکن تشویق می‌کند (مرشایمر و والت، ۲۰۱۶: ۸۳).

به باور ولی نصر، مشاور ارشد اوباما، برخلاف راهبرد موازنه فراساحلی دولت اوباما در قبال برنامه هسته‌ای ایران، دولت ترامپ با خروج از برجام، به پیشرفت سریع برنامه‌ای هسته‌ای ایران کمک کرد، به اعتبار بین‌المللی ایالات متحده آسیب زد، جنبه تهاجمی به کنش‌گری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بخشید و به بی‌ثباتی در منطقه دامن زد (نصر، ۲۰۲۲). براساس راهبرد موازنه فراساحلی، ایالات متحده اقدام نظامی گسترده علیه تهران را در دستور کار قرار نخواهد داد و هرگونه کنش نظامی واشنگتن علیه کشورمان (به‌رغم احتمال ضعیف وقوع آن) محدود و هدفمند خواهد بود.

است (آهویی، ۱۳۹۶: ۴۵). به عبارت بهتر، جهان اکنون در وضعیت «انتقال» قرار دارد و زمانه جاری نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل همچون سال‌های ۱۹۱۹، ۱۹۴۵ و ۱۹۸۹ محسوب می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۶).

براساس گزارش سالانه ارزیابی تهدیدات جامعه اطلاعاتی ایالات متحده در سال ۲۰۲۱، چین اکنون بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین تهدید دولتی برای ایالات متحده محسوب می‌شود و از آغاز سده ۲۱، «رقابت استراتژیک» با چین به‌عنوان یک موضوع فراهیزی بر سیاست خارجی ایالات متحده سایه افکنده و ایالات متحده را به اتخاذ دکترین «چرخش به آسیا» و کاهش تمرکز بر خاورمیانه وادار ساخته است. پکن به‌عنوان مهم‌ترین رقیب واشنگتن، به‌ویژه در عرصه تکنولوژیک، ضمن تلاش به منظور تغییر هنجارهای بین‌المللی، ایجاد شکاف میان ایالات متحده و متحدان، هژمونی ایالات متحده را در عرصه‌های متعدد، به‌ویژه حوزه اقتصادی، نظامی و فناوری به چالش می‌کشد (دی ان آی، ۲۰۲۱: ۸-۶).

جامعه اطلاعاتی هم در گزارش «روندهای جهانی ۲۰۴۰» این‌گونه محیط رقابت‌آمیز بین‌المللی را تشریح می‌کند: «تغییر در توازن قوای بین‌المللی محیط ژئوپولیتیک را دگرگون خواهد ساخت و ترتیبات همکاری در سطح بین‌المللی را با چالش جدی مواجه می‌کند. در این ساختار، ایالات متحده و متحدان سنتی‌اش از یک‌سو و چین از سوی دیگر، نفوذ و شیوه مطلوب حکمرانی خویش را در سطح بین‌المللی بسط خواهند داد (گلوبال ترندز، ۲۰۲۱: ۸۵-۵۶).

۲.۲.۳. موازنه‌سازی منطقه‌ای

جلوگیری از ظهور هژمون منطقه‌ای هدف راهبردی ایالات متحده در خاورمیانه است. بر این مبنا، ایالات متحده درصدد موازنه‌سازی چندستونی میان ۴ بازیگر اصلی منطقه، یعنی ایران، ترکیه، مصر و عربستان و ۳ بازیگر فرعی، یعنی عراق، امارات و قطر است. براساس بیانیه بایدن در نشست جده در ژوئیه سال ۲۰۲۲، نقش‌آفرینی واشنگتن در منطقه طی دهه‌های آتی مبتنی بر ۵ اصل «مشارکت، بازدارندگی، دیپلماسی، هم‌گرایی و ارزش‌های لیبرال» خواهد بود (کاخ سفید، ۲۰۲۲) که ممانعت از بسط سلطه یکی از قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای و درعین‌حال، ایجاد بستر همکاری منطقه‌ای میان بازیگران منطقه‌ای رکن محوری در همه ۵ اصل مذکور است.

به‌رغم اقدامات ایالات متحده در راستای موازنه‌سازی منطقه‌ای، ایالات متحده همچنان ایران را مهم‌ترین تهدید برای منافع خود در خاورمیانه معرفی می‌کند و در نتیجه، به‌دنبال ایجاد موازنه قوای منطقه‌ای در برابر تهران و تشکیل ائتلاف یکپارچه متشکل از همه کشورهای منطقه و حل اختلافات بین آن‌هاست.

۳.۲.۳. تغییر نقش سنتکام

سنتکام برخلاف دهه نخست سده ۲۱ که مداخله مستقیم در عراق و افغانستان را در دستور کار قرار داد، امروزه از نقش عملیاتی فاصله گرفته و تمرکز عمده خود را بر مأموریت‌های مستشاری شامل آموزش و مشاوره، کمک و توانمندسازی ارتش‌های محلی معطوف کرده‌است. به ادعای سنتکام، نیروهای آمریکایی در مقام مشاوره، نحوه بهره‌گیری مطلوب از نیروهای ارتش را در عملیات‌های نظامی به دولت‌های محلی آموزش می‌دهند. در مقام کمک، لجستیک و

پشتیبانی لازم را برای عملیات‌های رزمی ارتش‌های محلی فراهم می‌کنند و در مقام توانمندسازی هم تسلیحات، سامانه‌های نظامی و کمک‌های اطلاعاتی و شناسایی لازم را در اختیار متحدان قرار می‌دهند (سنتکام، ۲۰۲۲)؛ بنابراین ایالات متحده می‌کوشد سربازان و تجهیزات نظامی خود را در منطقه به حداقل برساند و اقدام به حمایت از ارتش‌های محلی را در ابعاد گوناگون نظیر برنامه‌ریزی، عملیات و بودجه‌ریزی کارآمد کند (مک‌کنزی، ۲۰۲۲)

۴.۲.۳. مدرن و کوچک‌سازی حضور سخت در منطقه

حضور نظامی ایالات متحده در مناطق جغرافیایی، از جمله خاورمیانه تابعی از برخی عوامل است: نخست: ماهیت تهدید؛ به این معنا که پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده حضور سخت خویش در خاورمیانه را به حداکثر میزان ممکن رساند و دوم: اهداف ایالات متحده؛ هدف ایالات متحده در دوران بوش پسر معطوف به تغییر رژیم‌های مخالف خود در خاورمیانه بود، ولی اکنون ثبات منطقه‌ای را به‌عنوان تنها هدف کلان دنبال می‌کند (غلامی، ۱۴۰۱).

در صحنه عمل، پس از سخنرانی اوباما در ژانویه سال ۲۰۱۲ در پنتاگون و اعلام سیاست «تغییر راهبرد تاریخی»، رویکرد ایالات متحده با عنوان «کوچک‌سازی پنتاگون» در دستور کار قرار گرفت و سرمایه‌گذاری فزاینده بر نیروهای ویژه به جای نیروهای متعارف، کمک به ارتقای توان اطلاعاتی کشورهای منطقه را برای ارائه هشدار زودهنگام درباره تهدیدات قریب‌الوقوع ارتقا، افزایش هماهنگی و همکاری با متحدان خاورمیانه‌ای، استفاده از متحدان منطقه‌ای به جای سربازان آمریکایی و توسعه فناوری سایبری و پهبادی مورد توجه واقع شد (فرخی چشمه‌سلطانی و عطار، ۱۳۹۶ الف: ۱۵۱).

۵.۲.۳. متمرکزسازی پایگاه‌های نظامی

از اوایل دهه ۹۰ میلادی و پس از جنگ نخست خلیج فارس، ایالات متحده با هدف تأمین امنیت مسیر حمل و نقل انرژی و تأمین امنیت متحدان منطقه‌ای به تأسیس و توسعه پایگاه‌های نظامی در خاورمیانه اقدام کرد (حسن پور و ترشیزی‌برگوئی، ۱۳۹۷: ۷۵).

در چارچوب راهبرد کاهش حضور، ایالات متحده دست به تجمیع پایگاه‌ها و متمرکزسازی آن‌ها خواهد زد و نیروهای خود را به پایگاه‌هایی انتقال خواهد داد تا از دامنه موشک‌ها و پهلوهای جمهوری اسلامی ایران مصون باشند. ژنرال مک کنزی، فرمانده پیشین سنتکام با تأیید گزاره مذکور اعلام کرد: ما از پایگاه‌هایی که نیازی بدان نداشتیم، خارج شدیم و حملات علیه نیروهای آمریکایی را دشوارتر کردیم (میدل ایست نیوز، ۲۰۲۱). توسعه پایگاه موفق‌السلطی اردن و انتقال عمده نیروها و تجهیزات نیروی هوایی ایالات متحده در منطقه به این پایگاه، گام مهمی در راستای متمرکزسازی پایگاه‌های نظامی قلمداد می‌شود (فور، ۲۰۲۲).

گزینه پیشنهادی حامیان راهبرد کاهش حضور، توزیع نیروهای آمریکایی در منطقه و استقرار آن‌ها در پایگاه‌های نظامی کوچک و متوسط است. در این چارچوب، وابستگی ایالات متحده به پایگاه‌های بزرگ عملیاتی نظیر پایگاه هوایی العدید قطر و پایگاه عریفجان کویت که در تیررس موشک‌ها و پهلوهای جمهوری اسلامی ایران هستند، کاهش خواهد یافت (کایه، ۲۰۲۱) و عمده پایگاه‌ها و سربازان آمریکایی در کشورهای عمان و اردن مستقر خواهند شد.

۶.۲.۳. کاهش تعداد نیروهای زمینی

در شرایط کنونی، حدود ۴۲ هزار سرباز آمریکایی در ۱۴ کشور منطقه ذیل فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام^۷) مستقر هستند که شمار آن‌ها با احتساب یگان‌های نیروی هوایی و دریایی به ۶۵ هزار نفر می‌رسد. با وجود پایگاه‌های ایالات متحده در همه کشورهای منطقه (به جز ایران) ۴ کشور واقع در ساحل غربی خلیج فارس شامل بحرین، کویت، امارات و قطر مرکز ثقل حضور ایالات متحده در منطقه هستند، به گونه‌ای که از آن‌ها با عنوان «۴ مرکز^۸» یاد می‌شود (سویینی، ۲۰۲۰). هرگونه کاهش حضور در خلیج فارس به معنای کاهش تعهد ایالات متحده به ۴ کشور حاشیه خلیج فارس در بلندمدت است.

بررسی آمارها حکایت از آن دارد که اعزام نیروهای نظامی ایالات متحده به منطقه از سال ۲۰۰۸ روند کاهشی گرفته است. برای مثال، در سپتامبر سال ۲۰۰۸، حدود ۷۶ هزار سرباز آمریکایی در ۶ کشور بحرین، قطر، کویت، امارات، عربستان و ترکیه حضور داشتند که ۱۶ درصد از ۴۸۴ هزار سرباز آمریکایی خارج از مرزهای این کشور را تشکیل می‌دادند، در حالی که تعداد نیروهای آمریکایی در این کشورها در سپتامبر سال ۲۰۱۹ به ۱۰ هزار نفر، یعنی ۴ درصد از کل نیروهای برون‌مرزی ایالات متحده کاهش پیدا کرده است (اخبار ایالات متحده، ۲۰۲۰).

ایالات متحده در چارچوب راهبرد موازنه از راه دور به کاهش محسوس تعداد نیروهای عملیاتی خود در خاورمیانه و آسیای مرکزی طی یک فرایند تدریجی دست خواهد زد (لارنس، ۲۰۲۲).

7. United States Central Command (CENTCOM)

8. Core Four

اجتماعی اردن و روابط حسنه عمان با جمهوری اسلامی ایران از چالش‌های ایالات متحده برای تمرکز نظامی در این ۲ کشور محسوب شوند.

۷.۲.۳. یکپارچه‌سازی سامانه‌های دفاعی

ایالات متحده به بهانه تهدیدات موشکی و پهبادی علیه منافع ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن از یک‌سو و از سوی دیگر، نشان‌دادن تعهد خویش به امنیت و ثبات منطقه‌ای در سایه کاهش حضور فیزیکی، درصدد یکپارچه‌سازی سامانه‌های دفاع موشکی و رادیویی کشورهای منطقه برآمده‌است.

از نگاه مقامات آمریکایی، منطقه اکنون مستقلاً قادر به ایجاد ابتکار سامانه مشترک دفاعی نیست، ولی با تلاش‌ها و هماهنگی‌های ایالات متحده برای اعتمادسازی میان کشورها از آمادگی لازم برای حرکت به این سمت برخوردار است. در این راستا، پیشنهاد طرح «بازدارندگی در برابر نیروهای دشمن و تقویت دفاع ملی» در کنگره هم‌زمان با سفر ژوئیه سال ۲۰۲۲ بایدن به منطقه (استارتفور، ۲۰۲۲) مطرح شد.

باین‌حال، چشم‌انداز اجرای این طرح حداقل در آینده کوتاه‌مدت روشن نیست. وجود دیوار عمیق بی‌اعتمادی و اختلافات اعضا (به‌ویژه اعراب با رژیم صهیونیستی)، عدم استفاده اعراب و اسرائیل از سامانه‌های دفاعی مشترک و بهره‌گیری عربستان و امارات از تجهیزات دفاعی روسی و چینی و عدم امکان استفاده آن‌ها در سامانه‌های تولید ایالات متحده، مشکلات فنی و سطح متفاوت توان دفاعی کشورها، چالش‌های عمده در مسیر اجرای این طرح محسوب می‌شوند (فونترونس و همکاران، ۲۰۲۲).

اغلب کارشناسان نظامی ایالات متحده معتقدند هرگونه کاهش نیروها یا تعطیلی پایگاه‌ها در خاورمیانه در چارچوب راهبرد موازنه از راه دور باید حداقل طی یک فرایند ۴ ساله انجام شود. در سال نخست این برنامه ۴ ساله، ایالات متحده نیروهای باقی‌مانده خود را از مناطق جنگی همچون عراق، سوریه و یمن خارج می‌کند و آمادگی خود را برای خروج کامل از ساحل غربی خلیج فارس اعلام می‌کند. در سال دوم، ایالات متحده با خارج کردن نیروها از ۲ کشور امارات و قطر، حضور نظامی خویش را به ۶ کشور محدود و کمتر از ۹ هزار نظامی را منطقه حفظ خواهد کرد (سویینی، ۲۰۲۰).

در سال سوم، به حضور نظامی خویش در ۲ کشور بحرین و کویت پایان خواهد داد و از حجم نیروها و تجهیزات خویش در قطر هم خواهد کاست. در سال چهارم، ایالات متحده پایگاه العدید قطر را ترک و مرکز فرماندهی خود را به پایگاه موفق‌السلطی اردن منتقل خواهد کرد و به‌علت موقعیت استراتژیک و ثبات سیاسی اردن و عمان، حضور نظامی واشنگتن محدود به این ۲ کشور خواهد بود (سویینی، ۲۰۲۰).

ارزیابی‌ها حکایت از آن دارد که ایالات متحده در چارچوب یک زمان‌بندی ۴ ساله قادر است بیش از ۵۰ هزار سرباز آمریکایی را از منطقه خارج کند و در پایان آن ۴ سال، واشنگتن در موقعیتی قرار می‌گیرد که دست به موازنه از راه دور خواهد زد (سویینی، ۲۰۲۰). در این چارچوب، ایالات متحده از وابستگی خود به بندر منامه خواهد کاست و برخی نیروها و تجهیزات نیروی دریایی را به ۳ بندر «اب»، «دقم» و «سالله» در عمان منتقل خواهند کرد تا امنیت کشتی‌های آمریکایی را در شمال غربی اقیانوس هند تأمین کنند (سویینی، ۲۰۲۰ و مورگان، ۲۰۲۰). نقش‌آفرینی گرایش‌های اخوانی در صحنه سیاسی و

۸.۲.۳. موازنه‌سازی علیه نفوذ رقبای فرامنطقه‌ای

است. مسکو در تلاش است با بسط نفوذ نظامی خویش در منطقه، به‌ویژه تداوم حضور در پایگاه حمیم و طرطوس سوریه، ضمن تقویت حضور در منطقه شامات، از آن برای رصد دقیق تحرکات رقبا در اروپا استفاده کند.

با توجه به نفوذ فزاینده چین و تبادلات نظامی روسیه با کشورهای منطقه، ایالات متحده تقویت روابط اقتصادی و دیپلماتیک (نه امنیتی) با کشورهای منطقه را در دستور کار قرار خواهد داد و اگر به جای معیارهای اقتصادی و ملموس، به سراغ تقابل دموکراسی/اتوکراسی میان غرب و شرق برود، عرصه رقابت در منطقه را به چین و روسیه واگذار خواهد کرد (پی، ۲۰۲۲).

بر این مبنای بایدن در سفر ژوئیه سال ۲۰۲۲ به منطقه ضمن امضای برنامه همکاری برنامه همکاری راه‌اندازی نسل جدید شبکه‌های 5G و 6G و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های پاک، خطاب به کشورهای منطقه اعلام کرد: «هرچه جهان رقابتی‌تر و چالش‌های فراروی ما پیچیده‌تر می‌شوند، بیشتر مشخص می‌شود که منافع ایالات متحده با سعادت خاورمیانه گره خورده‌است. ایالات متحده قصد ندارد خاورمیانه را ترک کند و اجازه نمی‌دهد خلأ منطقه توسط چین، روسیه یا ایران پر شود (بیرمن و ویلکینسون، ۲۰۲۲).

۹.۲.۳. اطمینان بخشی به متحدان

ایالات متحده با هدف جلوگیری از گرایش فزاینده شرکای منطقه‌ای به سمت چین و روسیه از یک‌سو و ازسوی دیگر، تثبیت نفوذ امنیتی خویش در منطقه، ضمن تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی، توسعه نفوذ اقتصادی را در دستور کار قرار خواهد داد. در سطح مناسبات نظامی، تداوم فروش تسلیحات

برخلاف نیمه دوم سده بیستم، ایالات متحده تنها کنش‌گر فراملی در خاورمیانه نیست. سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه اقتصادی و تکنولوژیک و حضور نظامی روسیه در غرب آسیا، هژمونی ایالات متحده در منطقه را به چالش کشیده‌است (کایه، ۲۰۲۱). باور رهبران منطقه به پایان هژمونی مطلق ایالات متحده در جهان و پایان «دوران پکس آمریکانا» از یک‌سو و گرایش دولت‌های منطقه به حاکمیت نظام اقتصادی بالا/پایین و ساخت سیاسی بسته ازسوی دیگر، بستر مساعدی برای نفوذ پکن و مسکو در دوران افول ارزش‌های لیبرال پدید می‌آورد.

ارزیابی‌ها بیانگر آن است که تمرکز پکن برای افزایش نفوذ در خاورمیانه، معطوف به روابط اقتصادی، تکنولوژیک و دیپلماتیک است و همکاری‌های امنیتی موردنظر نیست (پی، ۲۰۲۲). چین اکنون بزرگ‌ترین خریدار نفت خاورمیانه محسوب می‌شود و در بسیاری از زیرساخت‌های کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌است (مک‌کنزی، ۲۰۲۲). به‌علاوه، حجم تجارت کالایی چین با کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۲۰، بیش از ۲۷۲ میلیارد دلار بود، تاکنون توافق‌نامه شراکت جامع راهبردی با عربستان، مصر، امارات، الجزایر و ایران به امضا رسانده و توافق‌نامه‌های همکاری سطح پایین‌تر با ۹ کشور دیگر منطقه منعقد کرده‌است.

روسیه هم با پیش‌بینی کاهش حضور ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و شامات، درصدد تقویت کنش‌گری نظامی و امنیتی خود در منطقه

اصطلاحی است درباره مفهوم صلح نسبی در Pax-Americana. 9. نیمکره غربی که به برتری و هژمونی ایالات متحده از نیمه دوم قرن ۲۰ (اشاره دارد)

۴. بحث و نتیجه‌گیری

ایالات متحده طی یک سده اخیر و در بازه‌های زمانی گوناگون، از راهبرد موازنه از راه دور بهره برده‌است. این کشور هر زمان که تحت تأثیر استراتژی‌های رقیب مانند «هژمون‌طلبی لیبرال»، «دکترین جنگ علیه تروریسم» یا «مهار ۲ گانه»، راهبرد موازنه فراساحلی را کنار گذاشته، نه تنها با چالش‌های داخلی نظیر افزایش هزینه‌های نظامی و نارضایتی افکار عمومی روبرو شده، بلکه قادر به تأمین کامل منافع ملی و تحقق اهداف از پیش اعلام‌شده در راهبردهای مذکور نبوده‌است.

ایالات متحده در سده ۲۱ بار دیگر در «عصر رقابت قدرت‌های بزرگ»^۱ با توجه به محدودیت‌های قدرت و برخورداری از منابع محدود جهت تأمین منافع حیاتی خود در غرب آسیا، راهبرد موازنه از راه دور را در سیاست خارجی خویش در قبال منطقه اتخاذ کرده‌است. در این چارچوب، ایالات متحده با کاهش سطح درگیری عملیاتی خود در منطقه، برقراری توازن قوا میان قدرت‌های منطقه‌ای و جلوگیری از گسترش قدرت جمهوری اسلامی ایران را دنبال کرده و بسط نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را از راه‌های مسالمت‌آمیز، نه لشکرکشی‌های نظامی پیگیری می‌کند.

با این حال، عقب‌نشینی و کاهش تمرکز بر خاورمیانه برای ایالات متحده بدون هزینه نخواهد بود و ایالات متحده می‌کوشد به‌رغم حفظ آمادگی جهت اقدام نظامی در مواقع ضروری، اقدام به تأمین منافع حیاتی خویش در غرب آسیا با تکیه بر ۲ ابزار دیپلماسی و تحریم کند.

به متحدان منطقه‌ای نظیر امارات و عربستان و مشارکت در رزمایش‌های مشترک دریایی و در سطح مناسبات اقتصادی و اجتماعی، پشتیبانی دیپلماتیک و اعطای کمک‌های اقتصادی و توسعه‌ای را به کشورهای منطقه دنبال می‌کند و از منابع مالی خویش در راستای حل چالش‌های اجتماعی و اقتصادی و مشکلات حکمرانی در کشورهای منطقه بهره می‌گیرد (کایه، ۲۰۲۱ و نصر، ۲۰۲۲).

۱۰.۲.۳. تغییر اولویت مبارزه با تروریسم

راهبرد نئوکلاسیک موازنه از راه دور، لشکرکشی همه‌جانبه نظامی را پاسخ کارآمدی برای مقابله با تروریسم نمی‌داند و عملیات‌های ضدتروریستی هدفمند را به جای آن پیشنهاد می‌دهد. در این چارچوب، ایالات متحده حضور حداقلی در منطقه جغرافیایی مدنظر پیدا می‌کند و در جریان مقابله با تروریسم از تعداد محدودی از نیروهای عملیات ویژه به‌همراه هواپیماهای بدون سرنشین و توانمندی‌های موشکی پهبادی نقطه‌زن بهره می‌گیرد (آشغورد، ۲۰۱۸: ۱۳۴).

اکنون به‌رغم تداوم عملیات‌های ضدتروریستی ایالات متحده در خاورمیانه، واشنگتن عمده توان خود را به مقابله با گروه‌های تروریستی در شرق آفریقا، به‌ویژه القاعده و الشباب معطوف کرده‌است. علاوه بر آن، با ظهور تهدیدات نوین فراملی، تروریسم همانند گذشته در زمره دغدغه‌ها و تهدیدات فوری و مستقیم علیه امنیت ملی ایالات متحده در خاورمیانه قرار ندارد و ایالات متحده مبارزه با آن را تا حد زیادی به دولت‌های منطقه واگذار کرده‌است.

10. Great Power Competition Era

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

مقاله از اصول اخلاق پژوهش پیروی کرده و شرکت‌کنندگان از روند اجرای پژوهش آگاهی کامل داشته‌اند.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

کلیت مقاله با مشارکت دو نویسنده تهیه و تنظیم شده است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از مسئولان فصلنامه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی برای انتشار این مقاله تشکر می‌کنند.

منابع فارسی

- آهوئی، م. (۱۳۹۶). تحلیلی بر راهبرد اتحادهای ایالات متحده در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۲۳)، ۷۷-۴۳.
- بابکان، م. ص. (۱۳۹۷). ارزیابی سیاست خارجی باراک اوباما در منطقه شرق آسیا. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۱(۴۴)، ۶۷-۴۱.
- جمشیدی، م. (۱۳۹۵). تجدید توازن: استراتژی کلان ایالات متحده در دوره اوباما. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۱۱(۳)، ۵۰-۷.
- حسن‌پور، ح.، و ترشیزی‌برگوثی، ع. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توسعه پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، ۱۴(۴۵)، ۹۱-۷۵.
- غلامی، ط. (۱۴۰۱). حضور نظامی ایالات متحده در مناطق جغرافیایی، از جمله خاورمیانه تابعی از برخی عوامل است. تهران: پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری.
- فرخی چشمه‌سلطانی، م.، و عطار، س. (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی حضور ایالات متحده در غرب آسیا. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۳۴، ۱۶۸-۱۳۹.
- فرخی چشمه‌سلطانی، م.، و عطار، س. (۱۳۹۷). راهبرد موازنه از راه دور و سیاست خارجی ایالات متحده (با تأکید بر غرب آسیا). *فصلنامه آفاق امنیت*، ۳۸، ۹۰-۶۹.
- میدل ایست نیوز. (۲۰۲۱). یک روز پس از اعلام پایان مأموریت رزمی نیروهای خارجی؛ فرمانده سنتکام: ۲۵۰۰ سرباز آمریکایی در عراق می‌مانند.

References

- Ahouie, M. (2017). [An analysis of the strategy of American alliances in the Middle East and possible options for Iran (Persian)]. *International Relations Research Quarterly*, 1(23), 43-77. [Link]
- Ashford, E. (2018). Unbalanced: Rethinking America's commitment to the Middle East. *Strategic Studies Quarterly*, 12(1), 127-148. [Link]
- Ayoob, M. (2016). It's time for America to disengage from the Middle East. Retrieved from: [Link]
- Babakan, M. S. (2018). [An assessment of Obama's foreign policy in the East Asian Region (Persian)]. *Studies of International Relations Journal*, 11(44), 41-67. [Link]
- Bandow, D. (2021). A blueprint for getting out of the Middle East. Retrieved from: [Link]
- Bierman, N., & Wilkinson, T. (2022). Biden vows U.S. will stay in Middle East to limit influence of Russia, Iran. Retrieved from: [Link]
- Brands, H. (2019). Why America can't quit the Middle East. Retrieved from: [Link]
- U.S. Central Command. (2022). Advise, assist, enable key to new OIR campaign. Retrieved from: [Link]
- Chollet, D. (2016). The myth of American disengagement. Retrieved from: [Link]
- Dugan, A. (2013). U.S. support for action in Syria is low vs. Past conflicts. Retrieved from: [Link]
- Edelman, E. (2019). The US role in the Middle East in an era of renewed great power competition. Retrieved from: [Link]
- Atlantic Council's Gulf Security Task Force. (2022). Iran deal or not, Gulf nations need integrated air and missile defense. Retrieved from: [Link]
- Ford, R. (2022). America is not leaving the Middle East. Asharq Al-Awsat. Retrieved from: [Link]
- Gholami, T. (2022). [The military presence of the United States in geographical areas, including the Middle East, is a function of some factors (Persian)]. Tehran: Presidential Institute of Technology Studies. [Link]
- Gholz, E. (2021). *Nothing much to do: Why America can bring all troops home from the Middle East*. Washington: Quincy Institute for Responsible Statecraft. [Link]
- Kent, S. (2021). *Intelligence does not claim infallibility for its prophecies. Intelligence merely holds that the answer which it gives is the most deeply and objectively based and carefully considered estimate*. Virginia: National Intelligence Council. [Link]
- Farokhi Cheshme Soltani, M., & Attar, S. (2017). [The future study of the presence of the United States of America in West Asia (Persian)]. *Afagh-e- Amniat*, 34, 139-168. [Link]
- Farokhi Cheshme Soltani, M., & Attar, S. (2018). ["Balance at a distance" strategy and US foreign policy (with emphasis on West Asia) (Persian)]. *Afagh-e- Amniat*, 38, 69-90. [Link]
- Hasanpour, H., & Torshizi, A. (2018). [Impact of the development of US military bases in the West Asian region on the military security of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. *Military Science and Tactics*, 14(45), 75-91. [Link]
- Horowitz, J. M., Igielnik, R., & Kochhar, R. (2020). Trends in income and wealth inequality. Retrieved from: [Link]
- Jamshidi, M. (2016). [Rebalancing: US grand strategy in the Obama era (Persian)]. *Research Letter of Political Science*, 11(3), 7-50. [Link]
- Kaye, D. D. (2021). America is not withdrawing from the Middle East: Washington needs a new strategy but not an exit strategy. Retrieved from: [Link]
- Keck, Z. (2014). Stephen Walt is not Obama's George Kennan: Commonsense and U.S. precedent are the architects of Obama's Middle East foreign policy. Retrieved from: [Link]
- Lawrence, J. P. (2022). US troop level reduction in Middle East likely as focus shifts elsewhere. Retrieved from: [Link]
- Layne, C. (1997). From preponderance to offshore balancing: America's future grand strategy. *International Security*, 22(1), 86-124. [DOI:10.1162/isec.22.1.86]
- Layne, C. (2002). Offshore balancing revisited. *Washington Quarterly*, 25(2), 233-248. [DOI:10.1162/01636600252820252]

- Liesman, S. (2022). War fallout: U.S. economy to slow, Europe risks recession and Russia to suffer double-digit decline. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Macrotrends. (2022). U.S. military spending/defense budget 1960-2022. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Manning, R. A., & Preble, Ch. (2021). Reality check #8: Re-thinking US military policy in the Greater Middle East. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Mckenzie, K. F. (2022). Poštore statement of general Kenneth F. McKenzie before the Senate Armed Services Committee. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Mearsheimer, J. J., & Walt, S. M. (2016). The case for offshore balancing: A superior U.S. grand strategy. *Foreign Affairs*, 95(4), 70-83. [\[Link\]](#)
- Mearsheimer, J. J. (2012). A return to offshore balancing. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Migdal, J. (2014). *Shifting sands : The United States in the Middle East*. New York: Columbia University Press. [\[DOI:10.7312/migd16672\]](#)
- Mdeast News. (2021). [One day after announcing the end of the combat mission of foreign forces; CENTCOM commander: 2500 American soldiers remain in Iraq (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Miller, A. D., & Sokolsky, R. (2020). The Middle East just doesn't matter as much any longer. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Morgan, H. B. (2022). The imperative of Middle East regional order and U.S. Diplomacy. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Nasr, V. R. (2022). The future of U.S.-Middle East relations. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Office of the Director of National Intelligence. (2021). *Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community*. Washington: Office of the Director of National Intelligence. [\[Link\]](#)
- Panikoff, J. (2022). Shifting priorities: The US and the Middle East in a multipolar world. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Pei, M. (2022). How the US can counter China's Middle-East influence. Project Syndicate. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Pew Research Center. (2019). In a politically polarized era, sharp divides in both partisan coalitions. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Stratfor. (2022). U.S. lawmakers unveil a plan to shield Middle East Allies from Iranian Aggression. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Sweeney, M. (2020). A plan for U.S withdrawal from the Middle East. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Tarrance, V. L. (2019). Measuring the fault lines in current U.S. foreign policy. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Institute for Economics and Peace (IEP). (2011). *Economic cosequences of war on the U.S. economy*. Sydney: Institute for Economics and Peace (IEP). [\[Link\]](#)
- The White House. (2022). FACT SHEET: The United States strengthens cooperation with Middle East partners to address 21st century challenges. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Timothy, E. (2022). U.S. defense budget 2022: How much does the United States spend on its defense budget? Retrieved from: [\[Link\]](#)
- U.S. News. (2020). How many U.S. troops are in the Middle East? Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Wallin, M. (2018). U.S. Military bases and facilities in the Middle East. American Security Project. Retrieved from: [\[Link\]](#)